

تحلیل میزان مشارکت زنان روستایی شهرستان فلاورجان در تعاونی‌ها: کاربرد نردبان مشارکت شری آرنستین

امیرحسین علی بیگی^۱، سوده گلابی^{۲*}

چکیده

مشارکت فرآیندی است جمعی که افراد دخیل در آن به صورت آگاهانه، آزادانه برای رسیدن به هدف تلاش نمایند با توجه به اهمیت نقش زنان به عنوان نیمی از قشر جامعه و مشارکت به عنوان یکی از مولفه‌های مهم توسعه پایدار، در این مطالعه، به بررسی سطح مشارکت و تبیین عوامل موثر بر آن پرداخته می‌شود. به این منظور در این مطالعه موردی، توصیفی-پیمایشی، میزان مشارکت زنان در تعاونی روستایی شهرستان فلاورجان با ۱۱۰ نفر عضو در بیست روستا به مرکزیت پیربکران، بر اساس سطوح گوناگون نردبان شری آرنستین، مورد بررسی قرار گرفت که نمونه‌ای به حجم ۸۶ نفر با استفاده از نمونه گیری طبقه‌ای انتخاب گردید، ابزار جمع آوری داده پرسشنامه و مصاحبه بود. روایی پرسشنامه به وسیله جمعی از اساتید به تایید رسید و پایایی آن به وسیله ضریب کرونباخ برای هر سازه جدا محاسبه شد و برای تمامی موارد بیش‌تر از ۰/۵ به دست آمد. برای سنجش سطح مشارکت از الگوی نردبان شری آرنستین پیروی شد، هشت پله مشارکت به ترتیب از پایین به بالا عبارتند از: دگرگون سازی، مرتفع سازی، آگاه سازی، مشاوره، توافق، شراکت، قدرت قانونی و کنترل. بر اساس یافته‌های پژوهش، اولین اولویت مربوط به پله شراکت و کمترین آن مربوط به پله مشاوره بود. با استفاده از روش تحلیل عاملی، عوامل موثر بر مشارکت در چهار دسته نهادی، فردی-شخصیتی و اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی تقسیم شد. نتایج حاصل از ضریب همبستگی نشان می‌دهد بین عوامل اجتماعی و میزان مشارکت، با احتمال ۹۹ درصد رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد بین عوامل اقتصادی و میزان مشارکت، با احتمال ۹۹ درصد رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. بین عوامل نهادی و میزان مشارکت، با احتمال ۹۰ درصد رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: زنان روستایی، مشارکت، تعاونی، تحلیل عاملی، نردبان شری آرنستین

^۱ - دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی

^۲ - دانش آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان

* نویسنده مسئول مقاله: soodehg88@gmail.com

پیشگفتار

دستیابی به توسعه تعاونی‌ها بدون نهادینه نمودن مشارکت اعضا در فرآیندهای آن، امری محال است. در سال‌های اخیر، رویکرد مشارکتی مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است. اهمیت مشارکت هم به عنوان هدف و هم به عنوان وسیله مطرح می‌گردد. تعاونی‌ها تا زمانی که تعاون، کار و تلاش جمعی را ترویج می‌دهند، ابزاری سازمانی یا تشکیلاتی جهت پاسخ‌گویی به منافع جمعی و بوم‌شناختی هستند. این امر به نوبه خود نقش کلیدی در توسعه پایدار دارد، زیرا اقتصادهای مبتنی بر بازار سرمایه زمانی دچار اضمحلال می‌گردند که منافع جمعی و مشترک را به سمت گروهی خاص سوق دهند. تعاونی‌ها می‌توانند مردم سالاری اقتصادی و توانمندسازی اقشار ضعیف و گروه‌های حاشیه‌ای جامعه را که نشانه و ملاک توسعه پایدار و پیش‌شرط مسئولیت‌پذیری مشترک است را ترویج دهند (Fulton & Sandersun, 2011, p69). از سوی دیگر، دستیابی به توسعه پایدار، بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی امکان‌پذیر نمی‌باشد. تجارب جهانی نشان می‌دهد که به منظور موفقیت در برنامه‌های توسعه پایدار، باید راه‌های مشارکت زنان توانمندسازی آنها برای شرکت در فرایند توسعه در مرحله تصمیم‌سازی آغاز شود (Gobayan & Hakobian, 2005, p1). مشارکت را سازماندهی افراد در قالب گروه‌ها، تشکله‌ها و سازمان‌های مورد نظر، وسیله‌ای جهت افزایش و توزیع مجدد فرصت‌ها و شرکت‌جستن در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و همیاری در توسعه و بهره‌مند شدن از ثمرات آن تعریف نموده‌اند (oaklay, 1999, p6). گرچه مشارکت مقوله‌ای اجتماعی است که از عمل جمع ناشی می‌گردد، اما منافع فردی افراد شرکت‌کننده نیز در قالب یک هدف ملموس اجتماعی مد نظر می‌باشد (Nanbakhsh, 2003, p165).

به منظور جلب مشارکت زنان در اجتماعات، لازم است تغییراتی در نگرش‌ها، افکار و اعتقادات نسبت به زنان ایجاد گردد، همین امر، اهمیت موضوع مطالعات بسیاری در این زمینه صورت گرفته است، که می‌نماید. با توجه به اهمیت موضوع مطالعات بسیاری در این زمینه صورت گرفته است، که مشارکت را سطح بندی نموده‌اند و تعاون و تشکله‌های تعاونی را به عنوان سنبل مشارکت معرفی نموده‌اند، اما در ایران کمتر مطالعاتی در جهت مطالعه سطوح مشارکت در تعاونی‌ها که خود به عنوان یک شاخص ایجاد مشارکت معرفی می‌گردد، صورت گرفته است. به این منظور در این مطالعه موردی در تعاونی زنان شهرستان فلاورجان به بررسی و تحلیل سطح مشارکت زنان در تعاونی روستایی و عوامل موثر بر آن پرداخته شده است. راهکارهایی که در این مقاله ارائه توضیح داده شده است، در افزایش نسبت مطالعاتی که می‌تواند شناسایی گردد، به کار گرفته می‌شود.

مبانی نظری

در این مطالعه ابتدا سطوح مشارکت را بر اساس مدل نردبان شری آرنستین دسته بندی شده است و سپس با استناد از مطالعات گذشته و روش تحلیل عاملی به بررسی عوامل موثر بر مشارکت زنان در تعاونی پرداخته شده است. ابتدا مدل نردبان شری آرنستین توضیح داده می شود و سپس به بررسی عوامل موثر بر مشارکت پرداخته می شود.

شری آرنستین (Sherry arnstien, 1969)، یکی از مشهورترین تقسیم بندی های مشارکت را با عنوان "نردبان مشارکت" ارائه داده است. این نردبان، مشارکت را به سه دسته، عدم مشارکت، مشارکت ظاهری و کنترل شهروندی تقسیم می نماید. در پله پایینی این نردبان، مردم آگاه قرار می گیرند در حالی که در بالاترین پله نردبان مشارکت «کنترل شهروندی» مطرح می گردد. در این تقسیم بندی درجه مشارکت میزان قدرت در تصمیم گیری را تغییر می دهد. که دو پله دگرگون سازی و مرتفع سازی تحت عنوان فقدان مشارکت گروه بندی می گردند. هدف اصلی در این دو مرحله مشارکت در تصمیم گیری نبوده، بلکه هدف آموزش مشارکت کنندگان می باشد. آگاه سازی، مشاوره و توافق در گروه دوم تحت عنوان مشارکت ظاهری و سه پله شراکت، قدرت قانونی و کنترل در دسته کنترل شهروندی قرار گرفته اند. در مرحله آگاه سازی و مشاوره افراد شرکت کننده اجازه بیان نظرات و بحث و انتقاد از آنها را دارد. اما هیچ گونه تضمینی برای در نظر گرفتن دیدگاه آنها در تصمیم نهایی نیست. در مرحله توافق، مشارکت کنندگان بر اساس قوانین و مقررات موجود می توانند اقدام به طراحی برنامه نمایند، اما هنوز حق مشارکت در تصمیم نهایی را ندارند. در مرحله مشارکت افراد قادر به مذاکره و مبادله اطلاعات می باشند، اما در تصمیم گیری های مدیریتی و موقعیت های اصلی نقشی ندارند، از این مرحله به بعد فرد نقش فعالی در تصمیم گیری دارد، در مرحله قدرت قانونی افراد دارای موقعیت روشن و قدرت قانونی در تصمیم گیری دارند. که شکل کلی از مدل در شکل شماره (۱) ارائه شده است.

با توجه به مدل ارائه شده در جدول شماره ۱ سازه های به کار گرفته شده در هر یک از سطوح مشارکت تعریف و با توجه به تعریف سازه ها در هر پله معرف های آن سطح جهت مشخص نمودن گویه مشخص گردید و پرسشنامه تعیین سطح مشارکت بر همین اساس ساخته شد.



شکل (۱) نردبان مشارکت شری آرنستین (۱۹۹۶)

جدول ۱- متغیرهای سنجش سطوح مشارکت در پله‌های نردبان مشارکت

سطوح مشارکت	تعریف سازه‌های به کار رفته	معرفی‌های مشارکت در هر پله
دگرگون‌سازی	عدم دخالت اعضا در برنامه‌ریزی و سازماندهی آن، عدم توجه به نیازها، اولویت‌ها، برنامه از پیش تعیین شده، جذب اعضا توسط مشوق‌های خارجی.	۱- فقدان نیازسنجی ۲- توجه نکردن به مشکلات زنان ۳- معرفی نوآوری‌های نامناسب
مرتفع‌سازی	شناسایی مشکلات بدون نظر سنجی، متمرکز بودن تصمیمات به علت عدم اعتماد به توانایی و نظرات اعضا، فرض بر این است که اعضا تخصص و توانایی لازم را ندارند. تفاوت آن با مرحله قبل در شناسایی مشکل می‌باشد، اما توسط اعضا نمی‌باشد	۱- تصمیم متمرکز در حل مشکلات ۲- عدم اعتماد به توانایی و نظرات زنان روستایی در امور تصمیم‌گیری
آگاه‌سازی	اولین گام به سمت مشروع نمودن مشارکت می‌باشد، اعضا از حقوق، مسئولیت‌ها و گزینه‌های انتخاب خود آگاهند. اما دادن اطلاعات یک طرفه است و کانال بازخورد و مذاکره وجود ندارد و قدرت تاثیر گذاری بر برنامه به سمت منافع مخاطبان وجود ندارد.	۱- جریان یک طرفه اطلاعات بین هیئت مدیره و اعضا ۲- استفاده از رسانه‌های گروهی برای کسب اطلاعات ۳- جریان اطلاعات بین اعضا
مشاوره	در این مرحله برای برنامه ریزی از اعضا نظر سنجی می‌گردد و ممکن است نظرات اعضا در برنامه‌ها به کار برده شود.	۱- انجام نظر سنجی از اعضا به روش‌های گوناگون ۲- برگزاری کلاس‌های آموزشی بر اساس نظر اعضا ۳- استفاده از صندوق جمع آوری نظرات اعضا
توافق	در این مرحله خود اعضا، نظرات خود را جهت تدوین طرح ارائه می‌دهند ولی هنوز تایید نهایی با مراتب بالاتر می‌باشد.	۱- تدوین انواع طرح‌های خدماتی و تولیدی ۲- سهیم بودن اعضا در امور تعاونی ۳- بیان عقاید توسط اعضا
شراکت	در این مرحله اعضا و هیئت مدیره به صورت مشترک از طریق اعمال سیاست‌ها و مکانیسم‌ها در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری دخالت دارند.	۱- عضویت در صندوق اعتبارات تعاونی ۲- حضور در محل شرکت ۳- حضور در جلسات شرکت
قدرت قانونی	در این مرحله اعضا دارای قدرت تصمیم‌گیری پایدارند و جهت سودمندی از برنامه‌ها کارت ضمانت دریافت می‌کنند و حق اعتراض نسبت به اجرای برنامه دارند.	۱- انواع بیمه محصولات ۲- انعقاد انواع قرارداد ۳- حق اعتراض

۱- تشکیل گروه‌های خود جوش برای انجام امور گوناگون ۲- حرکت در جهت توسعه پایدار ۳- نهادینه شدن قوانین در بین اعضا	در این سطح مشارکت به صورت آزادانه و آگاهانه و بدون نفوذ عوامل خارجی می‌باشد و مشارکت براساس خواست اعضا می‌باشد.	کنترل
---	---	-------

در مورد عوامل موثر بر مشارکت نیز دانشمندان گوناگون اظهارنظرهای متفاوتی ارائه نموده‌اند به-گونه‌ای که می‌توان این عوامل را به صورت زیر مشخص نمود:

عده‌ای از دانشمندان عوامل اقتصادی را از جمله عوامل موثر بر مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه ذکر نموده‌اند. دیوید مک‌کله‌لند (David McClelland, 1971)، در بحث عوامل موثر بر مشارکت با در نظر گرفتن انگیزه پیشرفت عوامل اقتصادی را از جمله عوامل موثر بر انگیزه پیشرفت می‌داند، که خود در نهایت منجر به مشارکت بیش‌تر افراد در فعالیت‌های جمعی و مشارکتی می‌گردد، کروکسن (Croxtton, 1999)، به کارگیری روش‌های گوناگون تولید و انتقال تکنولوژی را تنها کلید مشارکت نمی‌داند بلکه نگرش آنها به موضوع را با اهمیت می‌داند.

رابرت دال (Robert Dahl, 1915)، معتقد است افراد در صورتی در فرایندهای سیاسی، اجتماعی مشارکت می‌کنند که برای پاداش و مزایای حاصل از آن ارزش قائل باشند و اطمینان داشته باشند که در انجام امور مشارکتی هزینه‌های چندانی پرداخت نمی‌کنند. لیو (Liu, 2001)، پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد را عامل اصلی تبیین تفاوت میزان مشارکت افراد می‌داند و سوانسون (Swanson, 2001)، خاطر نشان می‌نماید که اگر برنامه‌های توسعه نتایجی چون کاهش زحمات و بهبود وضع مادی و دارا بودن منافع عملی برای مخاطبان خود داشته باشد با مشارکت بیش‌تر آنان همراه خواهد شد. اورت راجرز (Evort Rogers, 2001)، از جمله عوامل موثر بر گرایش مردم در برنامه‌های توسعه را مزیت نسبی نوآوری‌های پیشنهاد شده در این برنامه‌ها می‌داند که ممکن است در بحث افزایش درآمدها و یا کاهش هزینه‌های تولید خود را نشان دهد. میسرا نیز تاکید دارد که هر چه منافع و مزایای برنامه‌ای که مردم در آن مشارکت می‌کنند بیش‌تر باشد میزان مشارکت آنان افزایش خواهد یافت. همانطور که از نظرات این افراد بر می‌آید عوامل اقتصادی نظیر پاداش و مزایا، کاهش هزینه‌ها، کاهش زحمات، بهبود وضعیت مادی، دارا بودن منافع عملی، ایجاد نوآوری با مزیت نسبی و افزایش درآمد می‌توانند از جمله عوامل مهم و موثر برای مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه روستایی باشند، بطوریکه می‌توان عامل اقتصادی و توجه به منافع و مزایای حاصل از آن برای مخاطبان و به خصوص ایجاد رفاه اقتصادی را می‌بایست به عنوان یک عامل موثر بر مشارکت افراد در برنامه‌های توسعه مهم شمرد و در طراحی و تدوین این برنامه‌ها به آنها توجه نمود تا بتوان مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه را تا حد زیادی تقویت نمود.

علاوه بر عامل اقتصادی عده‌ای از دانشمندان عوامل اجتماعی را از جمله عوامل موثر بر مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه ذکر نموده‌اند، ساموئل هانتینگتون (Huntington, 1996)،

منزلت اجتماعی بالاتر، پویایی و احساس گروهی را زمینه شکل‌گیری مشارکت سیاسی، اجتماعی موثر می‌داند. هم‌چنین دیوید مک‌کله‌لند (David McClelland, 1971)، در بحث عوامل موثر بر مشارکت با در نظر گرفتن انگیزه پیشرفت محیط اجتماعی و فرهنگی را از جمله عوامل موثر بر انگیزه پیشرفت می‌داند که خود در نهایت منجر به مشارکت بیش‌تر افراد در برنامه‌های توسعه روستایی می‌گردد.

هم‌چنین اورت راجرز، مهم‌ترین عنصر در مشارکت فرد در فعالیت‌ها جمعی را میزان آگاهی افراد جامعه می‌داند و رابرت دال، نیز معتقد است که افراد در صورتی در برنامه‌های سیاسی، اجتماعی مشارکت می‌کنند که شناخت و آگاهی کافی از امور اجتماعی داشته باشند. مارتین لیپست (Lipset, 1998) و دانیال لرنر (Lerner, 1958)، سه فرایند شهرنشینی، سواد و مشارکت رسانه‌ای را از جمله عوامل موثر بر مشارکت افراد در برنامه‌های توسعه می‌داند. مایرون وینر (Viner, 2000)، از جمله عوامل موثر بر مشارکت را توسعه ارتباطات جمعی می‌داند. بطوریکه از نظرات این اشخاص نیز مشخص است عوامل اجتماعی نظیر منزلت اجتماعی، احساس گروهی افراد، محیط اجتماعی فرهنگی، میزان آگاهی افراد، سواد، مشارکت رسانه‌ای و توسعه ارتباطات جمعی را از جمله عوامل موثر بر مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه می‌باشند. از آنجا که برنامه‌های توسعه در یک محیط اجتماعی قابلیت اجرایی پیدا می‌کند، می‌بایست به عنوان یک عامل مهم در مشارکت افراد در برنامه‌های توسعه ذکر نمود.

علاوه بر عوامل اقتصادی و اجتماعی ذکر شده عده‌ای از دانشمندان عوامل فردی و شخصیتی را از جمله عوامل موثر بر مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه ذکر نموده‌اند، دانیال لرنر، دیوید مک‌کله‌لند (McClelland 1971 & Lerner, 1958)، در بحث عوامل موثر بر مشارکت با در نظر گرفتن انگیزه پیشرفت عوامل فردی را از جمله عوامل موثر بر انگیزه پیشرفت می‌داند که خود در نهایت منجر به مشارکت بیش‌تر افراد در برنامه‌های مشارکتی می‌گردد. هم‌چنین مارتین لیپست (Lipset, 1998)، در بیان عوامل موثر بر مشارکت در برنامه‌های توسعه، از جمله ویژگی‌های افرادی که به مشارکت بیش‌تر پرداخته‌اند را متأهل بودن، دارای تحصیلات بالا بودن و افراد میان‌سال جامعه می‌داند. بعلاوه ساموئل هانتینگتون و دانیال لرنر (Huntington, 1996 & Lerner, 1958)، نیز در بررسی و تبیین ویژگی‌های افرادی که مشارکت بیش‌تری را داشته‌اند متغیرهایی مانند سواد را موثر در میزان مشارکت افراد می‌داند. برادول (Braodwell) جنسیت، منطقه سکونت، سن، تحصیلات، درآمد، نژاد، قومیت و دین را موثر بر میزان مشارکت می‌داند و منافع شخصی، نیازهای روانشناختی و اهداف شخصی را از عوامل موثر بر مشارکت نام می‌برد (Hamedmoghadam, 1994).

بر اساس نظریه‌ی پارسنز (parsons, 1976)، افراد مشارکت جو دارای ویژگی‌هایی چون عام‌گرایی، فعال‌گرایی، خردگرایی، و امیدوار به آینده‌اند (Rocher, 1998). برتون (Breton, 1997)، ویژگی‌های شخصی و فرصت‌های ساختاری را دو عامل ارزشمند و مؤثر بر مشارکت اجتماعی افراد می‌داند و معتقد است مقداری از مشارکت به‌وسیله‌ی عواملی چون سطح سواد، طبقه‌ی اجتماعی فرد، علائق مذهبی، و انگیزه‌های شخصی تبیین می‌گردد و با توجه به تفاوت افراد در گروه‌های گوناگون فرصت مشارکت نیز متفاوت می‌باشد. هلی (Helly, 1997)، مشارکت اجتماعی افراد را در دسته‌های: (۱) ویژگی‌های فردی، مانند پایگاه اجتماعی اقتصادی فرد در جامعه، (۲) سطح تحصیلات، (۳) گروه سنی، (۴) جنسیت، (۵) زمینه‌ی خانوادگی، شامل محل اقامت، میزان مشارکت والدین، وضعیت تأهل، و محیط اجتماعی شدن تقسیم می‌کند. ردی (Reddy, 1973)، عوامل مؤثر بر مشارکت در کارهای داوطلبانه را در پنج دسته طبقه بندی نموده است: (۱) ویژگی‌های فردی: سن، تحصیلات، وضعیت تأهل و تعداد فرزندان. (۲) پایگاه اجتماعی و اقتصادی: سطح درآمد، طبقه اجتماعی، و جبهه شغلی، مالکیت. (۳) عوامل اجتماعی - فیزیکی: جنسیت، قومیت، سلامت فیزیکی و توانایی فردی. (۴) نوع نگرش افراد به مشارکت: داشتن تعهد اجتماعی، روحیه مشارکتی، تشویق نزدیکان. (۵) ظرفیت افراد برای مشارکت: ریسک‌پذیری، ایثار، اعتماد به نفس، رضایت شغلی. افراد برگستروم (Bergstrom, 2006)، معتقد است که سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی مشارکت سیاسی را امکان‌پذیر می‌نماید، سرمایه فیزیکی تمام امکانات مادی افراد مانند درآمد، سرمایه، و وسایل ارتباط جمعی و مانند آن را شامل می‌گردد که سبب تسهیل در مشارکت می‌گردد سرمایه انسانی مانند تحصیلات، دانش و مهارت و توانایی‌هایی است که افراد در تعامل با یکدیگر ارائه می‌نمایند و سرمایه اجتماعی منبعی است که باعث مشارکت می‌گردد و درون شبکه‌های اجتماعی معنی پیدا می‌کند و در روابط میان افراد پدیدار می‌گردد.

به طور خلاصه می‌توان بر اساس مطالعات صورت گرفته در زمینه مشارکت عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تعاونی‌ها را در چهار گروه، اقتصادی، اجتماعی، ویژگی‌های فردی و شخصیتی و عوامل نهادی و سازمانی طبقه بندی نمود، با توجه به بررسی منابع صورت گرفته، جهت بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی، برای هر عامل چند سازه مشخص گردید و هر سازه به‌وسیله چند گویه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

شرکت زنان روستایی ایران در تعاونی‌های خودشان، می‌تواند بعنوان وسیله و هدف هر دو تلقی گردد. این حضور وسیله است بدین معنی که عضویت آنان در تعاونی‌ها موجب برخورداری آنان از خدماتی است که به آنها نیاز دارند و تعاونی می‌تواند در اختیار آنان قرار دهد. همچنین این

عضویت هدف است بدین معنی که از راه عضویت در تعاونی‌ها آنان به سویی دسترسی خواهند داشت که می‌تواند تصمیم‌گیرندگان مسایل گوناگون را به نیازها و مسایل آن واقف گرداند (Hadadi, 2006, p52). خانی و احمدی (Khani and Ahmadi, 2010)، در یک مطالعه موردی در روستاهای شهرستان زنجان باعنوان تعیین عوامل موثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی- اجتماعی نشان داد، با ارتقای سطح تحصیلات زنان روستایی، انتظارات آنها از مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها نیز افزایش می‌یابد و هر قدر میزان مشارکت اقتصادی زنان بالاتر رود میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. پایین بودن سطح تحصیلات، عدم اشتغال رسمی، فقدان ارزشگذاری رسمی، فقدان ارزشگذاری صحیح مشارکت اقتصادی زنان روستایی، پایین بودن درآمد رئیس خانوار، پایین بودن پایگاه اجتماعی خانواده زن، زندگی در خانواده گسترده، مهمترین ابزار قدرت و تصمیم‌گیری آنها می‌باشد.

نتایج مطالعات یزدان پناه و صمدیان (Yazdanpanah & Samadian, 1999)، در ارتباط با تاثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمانی نشان داد میزان مشارکت اجتماعی زنان در بعد غیر رسمی، بیش‌تر از بعد رسمی می‌باشد. هم‌چنین ویژگی‌هایی مثل عام- گرای، فعال گرای، امید به آینده، فرد گرایی، ارزیابی فایده‌های مشارکت و مشارکت اعضای خانواده رابطه مستقیم و معناداری با میزان مشارکت اجتماعی زنان دارد.

مطالعه طاهر خانی و قرنی آرا (Taherkhani & Gharni Aran, 2005)، در بررسی عوامل مؤثر بر گرایش روستاییان به تشکیل تعاونی‌های روستایی نشان داد این عوامل از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اقتصادی، اجتماعی و محیطی روستاییان متمایز نیست و عوامل مؤثر بر مشارکت هم از عوامل مؤثر بر ایجاد انگیزه در افراد برای تمایل به انجام کارهای گروهی و هدفمند اجتماعی- اقتصادی تأثیر می‌پذیرند. به‌گونه‌ای که میزان سرمایه تنها عامل در تشکیل و رونق گرفتن تعاونی‌ها نمی‌باشد، بلکه میزان انگیزه، دانش و معلومات، طرز فکر، محافظه کار یا نوآور بودن، رقابت اقتصادی، امور سازمانی و فنی که مستقیماً با مسایلی از قبیل مدیریت، آموزش، منابع مالی و غیره در ارتباط نزدیک هستند و همین‌طور محیط سیاسی- اجتماعی و اداری نیز بر گرایش روستاییان برای شرکت در فعالیت‌های تعاونی مؤثر می‌باشد.

شعبانعلی فمی و همکاران (Shabanalifami & et al, 2006)، در یک بررسی میانگین سنی بالای ۵۴ سال، عدم برخورداری اعضا از سطح تحصیلات مناسب، نگرش منفی اعضای مرد به فعالیت زنان در خارج از منزل را از چالش‌های اعضا شرکت تعاونی می‌داند که تاثیر نامطلوبی بر شرکت‌های تعاونی می‌گذارد.

زارافشانی و همکاران (Zarafshani & et al, 2009)، در پژوهشی جهت تعیین جایگاه مشارکت زنان روستایی کرمانشاه نشان دادند که بین مشارکت زنان روستایی در سطوح گوناگون تحصیلی هم‌چنین برحسب وضعیت تاهل تفاوتی معنادار وجود دارد و علی‌رغم اینکه زنان روستایی در سطوح پایین نردبان مشارکت کمتری داشتند ولی در پله کنترل مشارکت بیش‌ترین مشارکت دیده می‌شود که نشان دهنده فرهنگ دیرینه مشارکت و تعاون در میان زنان روستایی برای فعالیت‌های خود جوش می‌باشد. پله شراکت پنجمین اولویت، نشان از مشارکت کم‌رنگ زنان در این پله است. که باید در زمینه ایجاد تشکل‌ها و نهادهای مربوط به امور زنان فعالیت بیش‌تری انجام گیرد. در این راستا تشکیل تعاونی‌های روستایی زنان، باعث ایجاد پایگاهی برای زنان می‌شود که از راه آن می‌توانند مسئولان را از نیازها و مشکلات خود آگاه نمایند. هم‌چنین بین مشارکت زنان و وضعیت تاهل تفاوت معناداری مشاهده می‌گردد به طوری که زنان متأهل نسبت به دختران از مشارکت بالاتری برخوردار بودند، احتمالاً به دلیل جهت‌گیری‌های سنتی جامعه روستایی نسبت به مشارکت دختران در برنامه‌های آموزشی ممانعت به عمل می‌آورند. بین مشارکت زنان در سطوح تحصیلی متفاوت تفاوت معناداری وجود دارد به‌گونه‌ای که با بالا رفتن میزان تحصیلات میزان مشارکت نیز افزایش می‌یابد.

نتایج مطالعه سارایخانی و طه (Sarikhani & Taha, 2003)، با عنوان میزان مشارکت زنان در شرکت‌های تعاونی روستایی و شناخت عوامل مؤثر بر آن در استان کرمانشاه، نشان می‌دهد که، از آن جایی که اعضای تشکیل‌دهنده هیأت مدیره و بازرسان در شرکت‌های تعاونی روستایی را مردان تشکیل می‌دهند و زنان هیچ‌گونه نقشی تحت عنوان هیأت مدیره و بازرسان در تعاونی ندارند و فقط نقش آنان به عنوان عضو ساده می‌باشد و اغلب آنان علل عدم مشارکت زنان را عدم تمایل زنان و بیسوادی و کم‌سوادی آنان و عدم آگاهی زنان نسبت به تعاونی، بها ندادن به زنان، وجود تعصب و مرد سالاری در مناطق روستایی و حجم زیاد کار زنان در خانه می‌دانند. در ضمن میزان مشارکت فعال زنان در سه زمینه اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی- فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت، که نتایج نشان می‌دهد در کل زنان از میزان مشارکت اقتصادی بالایی برخوردار نیستند، اما در مقایسه با سایر جنبه‌های مشارکتی (مدیریتی، اجتماعی و فرهنگی) این جنبه سهم بیش‌تری در میزان مشارکت زنان در شرکت‌های تعاونی روستایی داشته است. نتایج محاسبه رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد، ۹۹/۶ درصد از واریانس شاخص مشارکت زنان عضو ناشی از مشارکت اقتصادی آنان است. به عبارتی نزدیک به کل میزان مشارکت فعال زنان عضو در فعالیت‌های اقتصادی شرکت از قبیل: دریافت نهادهای کشاورزی، وام و غیره می‌باشد و میزان مشارکت مدیریتی و اجتماعی فرهنگی زنان عضو به صفر میل می‌کند.

آموده او (Amodeo, 2001)، موفقیت راهکارهای تعاونی را عمیق شدن فهم اعضای تعاونی از ارزش‌ها و اصول تعاونی، پیوستگی و اتحاد تعاونی‌ها و اعتماد و اتکایشان به اعضا می‌داند. لوی (Levi, 2000). معتقد است، تقویت همکاری‌های اجتماعی و اقتصادی بین تعاونی‌ها جهت حصول به موفقیت در اولویت قرار دارد. برخی بر اهمیت نقش دولت در توسعه تعاونی‌ها اشاره می‌نمایند.

نتایج مطالعات انجام شده در هند در ارتباط با نگرش نسبت به مشارکت زنان در تعاونی‌ها، منفی بوده است که علت آن را عدم شناخت و آگاهی کم و ناکافی اعضا زن نسبت به اصول تعاونی‌ها و کارکرد نامناسب تعاونی‌ها در ایجاد انگیزه و رغبت مشارکت در اعضا می‌دانند. تعاونی‌ها در هند تحت مدیریت سیاست‌مداران می‌باشند، به طوری که حضور نماینده منصوب دولت در جلسات، سبب شده تا از دید اعضا تعاونی‌ها دولتی تلقی گردد (Ansari, 2006). در مطالعه‌ای در کشور نیجریه، زنان مصاحبه شونده بیان داشتند که پس از پیوستن به تعاونی‌ها موقعیتشان بهبود یافته، به عنوان یک عضو موقعیت‌هایی برای شرکت در تصمیم‌گیری فراهم آورده است و افزایش درآمد زنان آنان را قادر می‌ساخت هزینه‌های تعلیم و تربیت فرزندانشان را بپردازند و کمتر به همسرانشان وابسته می‌باشند (Jafarzadehpur, 1995). هدف زنان کشاورز از پیوستن به تعاونی‌ها، افزایش درآمد دریافت اعتبارات و وام می‌باشد، در آمریکای لاتین هدف شغل و درآمد شغلی است، به طوری که افزایش درآمد و گرفتن وام برای تحقق فعالیت‌های شغلی باعث ایجاد نگرش مثبت در تعاونی‌های این کشور گشته است (Buvinci, 1990).

فرصت‌های پژوهش

- ۱- بین عوامل فردی- شخصیتی (تحصیلات، سن، تأهل) و ایجاد مشارکت در تعاونی زنان روستایی ارتباط معناداری وجود دارد؟
- ۲- بین عوامل اقتصادی و ایجاد مشارکت در تعاونی زنان روستایی، ارتباط معناداری وجود دارد؟
- ۳- بین عوامل اجتماعی در ایجاد مشارکت در تعاونی زنان روستایی، ارتباط معناداری وجود دارد؟
- ۴- بین عوامل نهادی در ایجاد مشارکت در تعاونی زنان روستایی، ارتباط معناداری وجود دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی، از نظر هدف از نوع کاربردی و از لحاظ گردآوری اطلاعات از نوع تحقیقات توصیفی- پیمایشی بشمار می‌رود.

روش پژوهش شامل دو بخش است. در بخش نخست سطح مشارکت زنان در تعاونی مشخص می‌گردد و در بخش دوم با در نظر گرفتن مشارکت، به عنوان متغیر مستقل، اثر متغیرهای وابسته

(عوامل اقتصادی، اجتماعی و نهادی) بر مشارکت از راه پژوهش توصیفی از نوع همبستگی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روایی ظاهری و محتوایی پرسش‌نامه به وسیله پانل متخصصان شامل تخصص‌های جامعه-شناسی روستایی، توسعه روستایی و ترویج کشاورزی تایید شد. پایایی ابزار پژوهش نیز برای قسمت‌های دوم و سوم پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد (جدول ۲ و ۳). مقادیر محاسبه شده همه بالاتر از ۰/۷ است که نشانه پایایی ابزار می‌باشد. برای بررسی روایی سازه ابزار پژوهش از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد (جدول ۴). آزمون بارتلت با مقدار ۵۶۹/۵۶۹ در سطح معناداری یک درصد معنادار شد و KMO برابر ۰/۶۷ بود که نشان می‌دهد همبستگی موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهند بود.

جدول ۲- اندازه گیری میزان آلفای کرونباخ برای سازه‌های جهت سنجش عوامل موثر بر مشارکت

نام سازه	تعداد متغیر	میزان آلفای کرونباخ
عوامل اقتصادی	۵	۷۰۰/
عوامل اجتماعی و فرهنگی	۴	۷۵۰/
عوامل نهادی	۳	۸۸۸/
فردی- شخصیتی	۴	۷۲۷/

جدول ۳- اندازه گیری میزان آلفای کرونباخ برای سازه‌های جهت سنجش سطح مشارکت

نام سازه	تعداد متغیر	میزان آلفای کرونباخ
مرتفع سازی	۲	۸۰۴/
آگاه سازی	۴	۶۷۲/
مشاوره	۳	۷۲۲/
توافق	۴	۸۰۰/
مشارکت	۲	۷۲۵/
قدرت قانونی	۳	۶۷۲/
کنترل	۴	۷۲۴/

جدول ۴- اندازه گیری KMO مربوط به سازه‌های تحلیل و آزمون بارتلت

آزمون KMO	۰/۶۷
آزمون بارتلت	۵۶۹/۵۶۹
درجه آزادی	۳۰۰
Sig.	/۰۰۰

داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و از آماره‌های توصیفی مانند، میانگین، درصد فراوانی، و آمار استنباطی بهره برده شد.

نمونه

در این مطالعه جامعه آماری پژوهش را، اعضای تعاونی‌های زنان روستایی، با ۱۱۰ نفر عضو در بیست روستای شهرستان فلاورجان تشکیل دادند، که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و به تناسب جمعیت و بر اساس فرمول کوکران^۱ ۸۶ به عنوان حجم نمونه انتخاب گردید.

ابزار پژوهش

ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخت بود، بخش اول پرسشنامه در ارتباط با ویژگی‌ها و مشخصات فردی پاسخگویان و در بخش دوم پرسشنامه، عوامل موثر بر مشارکت زنان در تعاونی‌ها آمده بود. در بخش سوم پرسشنامه، برای هر یک از هشت پله مشارکت، پرسش‌هایی با استفاده از طیف لیکرت طراحی شد، تا میزان مشارکت زنان روستایی در هر یک از پله‌های نردبان شری آرنستین مشخص گردد. میانگین امتیاز پرسش‌های مربوط به هر یک از پله‌ها برای هر فرد محاسبه شد، سپس برای تعیین مشارکت کل افراد در هر یک از پله‌ها، مشارکت هر فرد در هر پله با هم جمع و بر تعداد افراد تقسیم شد.

برای سنجش سطح مشارکت طبق نردبان شری آرنستین هشت سطح مشخص شد و با شاخص‌سازی متغیرهای هر سطح معین شد و سپس با توجه به معرف‌ها پرسشنامه تهیه گردید و به صورت زیر عمل شد:

مشارکت هر فرد در هر پله = مجموعه امتیاز پرسش‌های هر پله / تعداد پرسش‌های مربوط به هر پله
 مشارکت هر فرد در تمامی پله‌ها = مجموع مشارکت هر فرد در هر پله / تعداد نمونه
 مشارکت هر فرد در تمامی پله‌ها = مجموع مشارکت هر فرد در هر پله

با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته در منطقه فرض بر کامل بودن سطح مشارکت در پله اول بود. در مورد سایر سازه‌ها با توجه به معرف‌های تعیین شده در هر سطح، پرسش‌های مربوطه طراحی و مطابق دستور بالا میانگین‌گیری صورت گرفت و بر اساس اندازه میانگین هر مرحله اولویت بندی گشت. بر طبق آن ترتیب اولویت سطوح عبارت است از، مشارکت، مرتفع‌سازی، قدرت قانونی، کنترل، آگاه‌سازی، توافق و مشاوره.

¹ - Cochran

یافته‌های پژوهش

الف - یافته‌های توصیفی نتایج

معرفی ویژگی‌های جامعه نمونه

جامعه مورد بررسی در یک منطقه برخوردار از استان اصفهان واقع گشته است، کشت غالب منطقه برنج می‌باشد و افراد جامعه از درآمد نسبتاً مناسبی برخوردارند. هم‌چنین به علت موقعیت صنعتی منطقه امکان اشتغال بیش‌تری برای مردم منطقه فراهم آورده و تجارت در منطقه رونق بسیاری یافته به‌گونه‌ی که در خود شهر پیربکران، پیشه غالب منطقه تجارت می‌باشد. در نمونه‌ی مورد بررسی تمام اعضا سواد خواندن و نوشتن را داشتند، بر اساس داده‌های جدول شماره ۵، میانگین سطح تحصیلات اعضا ۹/۴۸ سال است که کمترین آن دوم ابتدایی و بیش‌ترین آن ۱۴ سال، که دانشجو بود و میانگین سنی اعضا ۳۴/۳۳ سال بود که جوانترین عضو ۱۶ سال و مسن‌ترین عضو ۶۱ ساله بودند. اکثر اعضا متاهل بودند، به‌گونه‌ی که ۸۵/۴ درصد از اعضا متاهل و ۱۴/۶ درصد از اعضا مجرد بودند و اعضا متاهل به‌گونه متوسط دارای سه فرزند بودند.

جدول ۵- میانگین متغیرهای زمینه‌ای

نام متغیر	میانگین	مقدار حداقل	مقدار حداکثر
سطح تحصیلات	۹/۴۸	۲	۱۴
سن	۳۴/۳۳	۱۶	۶۱
تاهل	۸۵/۴		
تعداد فرزندان	۲/۱۱	۷	.

جدول ۶- اولویت‌بندی میزان مشارکت زنان در هر یک از پله‌های نردبان شری آرنستین

ردیف	نام سازه	میانگین	اولویت
۱	مرتفع‌سازی	۴/۰۱۱۹	۲
۲	آگاه‌سازی	۳/۸۵۱۲	۵
۳	مشاوره	۳/۲۳۸۱	۷
۴	توافق	۳/۵۵۳۶	۶
۵	مشارکت	۴/۲۳۸۱	۱
۶	قدرت قانونی	۳/۸۹۶۸	۳
۷	کنترل	۳/۸۲۷۳	۴

با توجه به اینکه معرف‌های مرحله دگرگون‌سازی، عدم نیازسنجی و توجه نکردن به مشکلات زنان می‌باشد، شاخصی که برای سنجش این سطح به کار برده شد، این بود که آیا تشکیل

تعاونی بر اساس نیازهای اعضا بوده است. با شرایط منطقه سازگار می‌باشد یا نه، در مرحله اول دگرگون سازی نیاز به این است که روشن شود آیا تشکیل تعاونی بر اساس نیاز اعضا یا نه؟ با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته در منطقه مشخص شد که تشکیل تعاونی بر اساس احساس نیاز اعضا و استفاده از تجارب سایر تعاونی‌ها بوده است و این تعاونی است که با توجه به درخواست اعضا نوع کلاس و حتی مربی را مشخص می‌نماید. بنابراین، برای این پله با فرض کامل بودن سطح مشارکت پرسشی طراحی نگشت و از پله مرتفع سازی با توجه به شاخص‌های معین شده برای هر سطح گویه‌ها مشخص گردید. در مورد سایر سازه‌ها با توجه به معرف‌های تعیین شده در هر سطح، پرسش‌های مربوطه طراحی و مطابق دستور بالا میانگین‌گیری صورت گرفت و بر اساس اندازه میانگین هر مرحله اولویت بندی گشت. بر طبق آن ترتیب اولویت سطوح عبارت است از، مشارکت، مرتفع سازی، قدرت قانونی، کنترل، آگاه سازی، توافق و مشاوره.

ب- یافته‌های استنباطی

نتایج ماتریس همبسته چرخش داده شده نشان می‌دهد از ۵۶/۳۳۵ درصد از داده‌ها استفاده نشده است. از این مقدار ۱۸/۲۹۷ درصد متعلق به گروه داده‌های عوامل نهادی، ۱۷/۵۵۲ درصد از داده‌ها متعلق به داده‌های عوامل فردی- شخصیتی، ۱۲/۳۷۵ درصد متعلق به داده‌های عوامل اجتماعی و فرهنگی و ۸/۱۱۱ درصد هم متعلق به داده‌های عوامل اقتصادی می‌باشد. نتایج درصد تجمعی برای تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت در جدول شماره ۷ نشان داده شده است. در ماتریس همبستگی چرخش یافته، چهار عامل را از یکدیگر تفکیک نموده است و متغیرهای مشابه را در هر عامل جای داده است که بیش‌ترین شباهت را نسبت به یکدیگر دارند، و هر متغیر با بار عاملی خود میزان ارزش خود را در عامل مربوطه نشان می‌دهد. به گونه‌ای که هرچه این عدد بزرگتر باشد ارزش آن متغیر در آن عامل بیش‌تر می‌باشد. هر چهار عامل را با توجه به متغیرهایی که در بر گرفته نام- گذاری می‌نماییم. طوری که عامل اول نهادی، عامل دوم فردی شخصیتی، عامل سوم اجتماعی- فرهنگی و عامل چهارم اقتصادی می‌باشد.

جدول ۷- درصد تجمعی برای تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت

نام عامل	درصد واریانس گم شده	درصد تجمعی واریانس
عامل نهادی	۱۸/۲۹۷	۱۸/۲۹۷
عامل فردی شخصیتی	۱۷/۵۵۲	۳۵/۸۵۰
عامل اجتماعی فرهنگی	۱۲/۳۷۵	۴۸/۲۲۵
عامل اقتصادی	۸/۱۱۱	۵۶/۳۳۵

در عامل نهادی از متغیرهایی که بیش‌ترین اهمیت را دارند می‌توان به عضویت در نهادها و انجمن‌ها، تدوین قوانین، بهبود فرصت آموزشی و اعتماد به تصمیمات در سطوح بالاتر اشاره نمود.

در مورد عوامل فردی شخصیتی سن، تعداد فرزند و تحصیلات از مهم‌ترین متغیرها می‌باشند. و در عوامل اجتماعی - فرهنگی اعتماد به توانایی و مهارت‌های فردی، آگاهی اجتماعی و دیدگاه مذهبی به تعاون، به عنوان یک ارزش را می‌توان از مهم‌ترین متغیرهای این عامل ذکر نمود. در مورد عوامل اقتصادی ایجاد اشتغال، ریسک پذیری و استفاده از فرصت‌ها و همچنین افزایش درآمد را می‌توان ذکر نمود. نتایج مربوطه در جدول شماره ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸- بار عاملی دوران یافته

مقدار ویژه	نام متغیر	نام عامل
۰/۵۶۴	دسترسی به اعتبارات	نهادی
۰/۷۷۷	تدوین قوانین مناسب برای تعاونی	
۰/۷۳۲	اعتماد به تصمیمات سطوح بالاتر	
۰/۵۱۳	ارزش‌های اجتماعی	
۰/۸۲۹	عضویت در نهادها و انجمن‌ها	
۰/۷۴۴	بهبود فرصت آموزشی	
فردی و شخصیتی		
۰/۸۵۰	سن	فردی و شخصیتی
-۰/۷۵۰	تحصیلات	
۰/۸۳۴	تعداد فرزندان	
۰/۶۵۶	ایجاد رفاه	
اجتماعی و فرهنگی		
۰/۶۹۳	منزلت اجتماعی	اجتماعی و فرهنگی
۰/۷۵۶	دیدگاه مذهب	
۰/۷۹۸	آگاهی اجتماعی	
۰/۵۰۰	توسعه ارتباطات جمعی	
۰/۸۰۷	اعتماد به توانایی و مهارت فردی	
اقتصادی		
-۰/۵۵۸	کاهش هزینه	اقتصادی
۰/۶۶۳	افزایش درآمد	
۰/۷۷۰	ایجاد اشتغال	
۰/۷۴۰	ریسک پذیری	

آزمون گمانه‌های پژوهش

گمانه اول: بین عوامل فردی - شخصیتی (تحصیلات، سن، تأهل) و ایجاد مشارکت در تعاونی زنان روستایی ارتباط معناداری وجود دارد؟

جدول ۹- نتایج آزمون گمانه اول

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	r	Sig
تحصیلات	میزان مشارکت	پیرسون	۰/۲۴۱	۰/۱۲۴
وضعیت تاهل	میزان مشارکت	کندال	۰/۱۱۱	۰/۳۹۶
سن	میزان مشارکت	پیرسون	۰/۰۲۷	۰/۸۶۴

۱-۱- بین میزان تحصیلات و میزان مشارکت در تعاونی رابطه معناداری وجود دارد. برای آزمون گمانه، با توجه به ویژگی مقیاس دو متغیر، از ضریب همبستگی پیرسون بهره برده شده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد، سطح معناداری ۰/۱۲۴ است و بسیار بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین، فرض صفر رد می‌شود، به گونه‌ی که بین تحصیلات و میزان مشارکت ارتباط معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر با افزایش سطح تحصیلات، میزان مشارکت افزایش یافته است. اما این افزایش معنادار نبوده است.

۱-۲- بین وضعیت تاهل و میزان مشارکت در تعاونی‌ها رابطه معناداری وجود دارد. برای آزمون گمانه، با توجه به مقیاس دو متغیر، از ضریب همبستگی کندال بهره برده شده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد، سطح معناداری ۰/۳۹۶ است و بسیار بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرض صفر رد می‌شود و بین وضعیت تأهل و میزان مشارکت، رابطه معناداری وجود ندارد.

۱-۳- بین سن افراد و میزان مشارکت در تعاونی‌ها رابطه معناداری وجود دارد. برای آزمون گمانه، با توجه به مقیاس دو متغیر، از ضریب همبستگی پیرسون بهره برده شده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد، سطح معناداری ۰/۸۶۴ است و بسیار بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین فرض صفر رد می‌شود و بین میزان مشارکت افراد و سن افراد هیچ رابطه معناداری وجود ندارد. گمانه دوم: بین عوامل اقتصادی و ایجاد مشارکت در تعاونی زنان روستایی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۱۰- نتایج آزمون گمانه دوم

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	r	Sig
عوامل اقتصادی	میزان مشارکت	پیرسون	۰/۵۶۴**	۰/۰۰۰
ریسک پذیری	میزان مشارکت	اسپیرومن	-۰/۰۵۸	۰/۷۱۵
ایجاد اشتغال	میزان مشارکت	اسپیرومن	۰/۶۳۲**	۰/۰۰۰
افزایش درآمد	میزان مشارکت	اسپیرومن	۰/۲۲۶	۰/۱۵۰
کاهش هزینه‌ها	میزان مشارکت	اسپیرومن	۰/۴۵۷**	۰/۰۰۲

با توجه به مقیاس متغیرها، از ضریب همبستگی پیرسون به کار گرفته شده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد سطح معناداری صفر شده است و عوامل اقتصادی با احتمال ۹۹ درصد با میزان

مشارکت رابطه مستقیم دارد. به این منظور آزمونی برای متغیرهای مؤثر بر عوامل اقتصادی انجام داده شد، که ایجاد اشتغال، با سطح معنی داری صفر، با احتمال ۹۹ درصد با میزان مشارکت رابطه مستقیم دارند، سایر متغیرهای مؤثر بر عوامل اقتصادی با داشتن سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ ارتباط معناداری با میزان مشارکت ندارند.

گمانه سوم: بین عوامل اجتماعی و ایجاد مشارکت در تعاونی زنان روستایی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۱۱- نتایج آزمون گمانه سوم

Sig	r	ضریب همبستگی	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۰/۷۳۰***	پیرسون	میزان مشارکت	عوامل اجتماعی فرهنگی
۰/۰۹۳	۰/۲۶۲	اسپیرمن	میزان مشارکت	نقش اعتقادات مذهبی
۰/۰۰۰	۰/۶۸۴***	اسپیرمن	میزان مشارکت	آگاهی اجتماعی
۰/۰۰۷	۰/۴۱۱**	اسپیرمن	میزان مشارکت	توسعه ارتباطات جمعی
۰/۰۰۰	۰/۷۳۰***	اسپیرمن	میزان مشارکت	اعتماد به توانایی به مهارت فردی

برای آزمون فرض صفر با توجه به مقیاس متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون بهره برده شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد، سطح معناداری صفر شده است و با احتمال ۹۹ درصد بین عوامل اجتماعی و میزان مشارکت رابطه مستقیم وجود دارد. هم‌چنین در آزمون متغیرهای مؤثر بر عوامل اجتماعی فرهنگی، آگاهی اجتماعی، توسعه ارتباطات جمعی و توانایی و اعتماد به توانایی و مهارت فردی، سطح معنی داری بزرگتر از ۰/۰۱ شده است. بنابراین با احتمال ۹۹ درصد بین این متغیرها و میزان مشارکت رابطه مستقیم وجود دارد. هم‌چنین نقش اعتقادات مذهبی به عنوان یک متغیر فرهنگی با سطح معنی داری ۰/۰۹۳، کمی بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین بین نقش اعتقادات مذهبی و میزان مشارکت رابطه مستقیم با احتمال ۹۰ درصد رابطه وجود دارد.

آزمون گمانه چهارم: بین عوامل نهادی و ایجاد مشارکت در تعاونی زنان روستایی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۱۲- نتایج آزمون گمانه چهارم

Sig	r	ضریب همبستگی	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۷۳	۰/۲۸۰	پیرسون	میزان مشارکت	عوامل نهادی
۰/۳۳۴	۰/۱۵۳	اسپیرمن	میزان مشارکت	دسترسی به اعتبارات
۰/۲۵۵	۰/۱۸۰	اسپیرمن	میزان مشارکت	تدوین قوانین مناسب برای تعاونی
۰/۵۹۲	۰/۰۸۵	اسپیرمن	میزان مشارکت	اعتماد به تصمیمات سطوح بالاتر
۰/۰۱۹	۰/۳۶۰*	اسپیرمن	میزان مشارکت	ارزش‌های اجتماعی
۰/۵۰۱	۰/۱۰۷	اسپیرمن	میزان مشارکت	عضویت در نهادها و انجمن‌ها
۰/۰۰۸	۰/۴۰۳**	اسپیرمن	میزان مشارکت	بهبود فرصت آموزشی

برای آزمون فرض صفر، با توجه به مقیاس متغیرها، از ضریب همبستگی پیرسون بهره برده شده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد سطح معناداری ۰/۰۷۳ است و بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین بین میزان مشارکت و عوامل نهادی رابطه معناداری وجود ندارد. به این منظور آزمونی برای متغیرهای موثر بر عوامل اقتصادی انجام داده شد که بهبود فرصت آموزشی، با سطح معناداری ۰/۰۸ بزرگتر از ۰/۰۱ می‌باشد. بنابراین بین میزان مشارکت و که بهبود فرصت آموزشی با احتمال ۹۹ درصد رابطه معناداری وجود دارد. همچنین ارزش‌های اجتماعی با سطح معناداری ۰/۱۹ بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین بین ارزش‌های اجتماعی و میزان مشارکت با احتمال ۹۵ درصد رابطه مستقیم وجود دارد. بقیه متغیرها دارای سطح معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشند، بنابراین بین دسترسی به اعتبارات، تدوین قوانین مناسب برای تعاونی، اعتماد به تصمیمات سطوح بالاتر و عضویت در نهادها و انجمن‌ها با میزان سطح مشارکت رابطه معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه به دنبال پاسخ این پرسش بود که در شکل تعاونی که خود نمودی از مشارکت است، سطوح مشارکت به چه صورت است و میزان مشارکت به چه عواملی وابسته است؟ نتایج مطالعه نشان می‌دهد اولویت‌بندی سطح مشارکت در تعاونی از یک الگوی ساده بالا به پایین پیروی نمی‌نماید. با توجه به نتایج به دست آمده، بیش‌ترین سطح مشارکت در پله شراکت بوده و کمترین آن در مرحله مشاوره، در مطالعات گذشته درباره سطح مشارکت زنان روستایی در کلاس‌هایی ترویجی بود، این پله‌ها به ترتیب از دگرگون سازی به سمت کنترل شهروند کاهش می‌یافت و کمترین مشارکت از سطح شراکت آغاز می‌شد و راه حل لازم را در تشکیل تعاونی‌ها می‌دانستند.

با توجه به مطالعات صورت گرفته عوامل موثر بر مشارکت را بر ۴ گروه دسته بندی نمودیم، عوامل فردی- شخصیتی مانند تحصیلات، سابقه عضویت، تاهل، سن و تعداد فرزندان، عوامل اجتماعی مانند منزلت اجتماعی، دیدگاه مذهب به تعاون، آگاهی اجتماعی، توسعه ارتباط جمعی و اعتماد به توانایی و مهارت فردی، عوامل اقتصادی مانند کسب وام، سودآوری و افزایش درآمد، کاهش هزینه‌ها، ایجاد اشتغال، ریسک پذیری، و در نهایت عوامل نهادی که مربوط به تدوین قوانین و نهادینه شدن قوانین در تعاونی، اعتماد به تصمیمات در سطوح بالاتر و تبادل اطلاعات و غیره بین تعاونی می‌باشد.

برای تحلیل، متغیرهای مربوطه را وارد تحلیل عاملی نمودیم و خواستیم تا با تعیین ۴ گروه و متغیرهایی که بار عاملی بالای ۵۰ درصد را برای ما دسته بندی نماید. به وسیله روش تحلیل عاملی، چهار عامل را از یکدیگر تفکیک شدند و متغیرهایی که بیش‌ترین شباهت را نسبت به یکدیگر داشتند در یک عامل قرار گرفتند. همان‌گونه که در جدول (۸) مشاهده می‌شود عوامل را به چهار

دسته تقسیم بندی نموده است که به ترتیب اولوت عوامل نهادی، فردی شخصیتی، عوامل اجتماعی - فرهنگی و در نهایت عوامل اقتصادی می‌باشد.

در مطالعات گذشته نقش عوامل اقتصادی بسیار پررنگ‌تر می‌بود، اما با توجه به این که تعاونی مورد مطالعه در منطقه برخوردار از استان اصفهان واقع گردیده است و اکثر اعضا از وضعیت اقتصادی نسبتاً مناسبی برخوردار بودند نقش عوامل اقتصادی کم رنگ شده است. نتایج حاصل از ضریب همبستگی بین عوامل مؤثر بر مشارکت و میزان مشارکت نشان می‌دهد بین عوامل فردی شخصیتی و میزان مشارکت رابطه معناداری وجود ندارد. در صورتی که در مطالعات ردی و همکاران (Reddy & et al, 1973)، در یک مطالعه مروری عوامل فردی شخصیتی، مانند سن، تعداد فرزندان و وضعیت تأهل را از عوامل مؤثر بر مشارکت بر می‌شمارند. هم‌چنین مطالعات زرافشانی و همکاران (Zarafshani & et al, 2009)، خانی و احمدی (Khani & Ahmadi, 2010)، یزدان پناه و صمدیان (Yazdanpanah & Samadian, 1999)، سارایخانی و طه (Sarikhani & Taha, 2003)، قوی بازو (Ghavibazu, 2004)، دانایی و عظیمی (Danaei & Azimi, 2005)، و فمی و همکاران (fami & et al, 2006)، نیز نشان دهنده وجود رابطه معنادار بین عوامل فرد شخصیتی و میزان مشارکت زنان بوده است.

بین عوامل اجتماعی و میزان مشارکت، با احتمال ۹۹ درصد رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. مطالعات رابرت دال (Robert Dahl, 1915)، ساموئل هانتینگتون (Huntington, 1996)، دیوید مک کله‌لند (McClelland 1971)، طاهر خانی (Taherkhani, 2005)، سارایخانی و طه (Sarikhani & Taha, 2003)، نیز در این راستا می‌باشند.

بین عوامل اقتصادی و میزان مشارکت، با احتمال ۹۹ درصد رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. ریچارد ردی و همکاران (Reddy & et al, 1973)، در یک مطالعه مروری، پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد را از عوامل مؤثر بر مشارکت می‌دانند. هم‌چنین مطالعات بنک (Banks, 2000)، طاهر خانی (Taherkhani, 2005)، باوینسی (Buvinci, 1990)، نیز در این راستا می‌باشد. بین عوامل نهادی و میزان مشارکت، با احتمالی ۹۰ درصد رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. مطالعات شاور و اسکات (Shaver & Scott, 1991)، آموده‌او (Amodeo, 2001)، گوانیان (Guinnane, 2003)، نشان دهنده رابطه مستقیم بین عوامل نهادی و میزان مشارکت است.

با توجه به مطالعه مربوطه، برخوردار بودن منطقه مورد مطالعه، موجب گردید تا عوامل مؤثر بر مشارکت از سمت اقتصادی به سمت نهادی و اجتماعی کشیده شود. بنابراین توجه به امکانات اشتغال زایی و افزایش درآمد روستاییان در توانمندسازی و بهبود اوضاع اجتماعی آنها مؤثر واقع

می‌گردد. برای توسعه مناطق روستایی مشارکت هرچه بیش‌تر روستاییان و زنان روستایی به عنوان اعضای فعال و پرتلاش مناطق روستایی از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد.

پیشنهادها

با توجه به اولویت بخش نهادی به عنوان یک عامل مؤثر بر میزان مشارکت، توجه به سنتز همکاری سیستمی بین سازمان‌ها و افراد ذیربط با تعاونی و ایجاد سرمایه اجتماعی در تعاون‌ها بیش‌تر توجه گردد.

با توجه به اینکه هدف از افزایش مشارکت، توانمندی زنان در تصمیم‌گیری می‌باشد، وجود تعاونی‌ها در روستا می‌تواند در تحقق هرچه بهتر به این هدف مفید واقع گردند. با توجه به سطوح مشارکت به دنبال راهکارهایی جهت بهبود سطوح مشارکت در تعاونی بود.

یکی از منابع مهم جهت انتقال اطلاعات مطبوعات می‌باشند، که در جوامع روستایی از جایگاه مناسبی برخوردار نمی‌باشد، لذا شرایطی باید ایجاد گردد که افراد در تعاونی فرهنگ مطالعه و کتاب خوانی را ترویج نمایند.

با توجه به ضعیف بودن سطح مشارکت در دو پله مشاوره و توافق، یعنی ضعیف بودن اعمال نظرات، هم از طرف اعضا و هم از طرف هیأت مدیره باید شرایطی در تعاونی ایجاد گردد که همه خود را در جهت رسیدن به هدف مشترک مسئول بدانند و تمام تلاش خود را جهت تحقق هدف متعالی به انجام برسانند.

Refrence

- 1- Adnan, S, Barren, A, Nurul Alamand, S.M, Brustinow, A. (1992), People,s participation: NGOs and The Flood Action Plan. Dhaka, Bangladesh: Research and advisory Services.
- 2- Amodeo, N. P. (2001). Be More Cooperative to Be More Competitive, Agric Cooper, 29(2), pp115-124. [Persian].
- 3- Anonymous. (1997). Benefit of rural women to form cooperatives, translated by asghar bayat, Cooperactive, (72), pp23-26. [Persian].
- 4- Arnstein, S R. (1969). A ladder of Citizen Participation, journal of American institute of planner, 35 (4), pp216-224.
- 5- Ansari, H. (2006), Cooperatives in the third Millennium, Publication of the Ministry of Cooperatives, Research Assistant, education and exation. [Persian].
- 6- Banks, E. (2000). The Furtherance of Rural Cooperation, University of Wisconsin Center for Cooperatives, pp. 4-6.
- 7- Bergstrom, L. (2006). Political Participation - A Qualitative, study of citizens in Hong Kong, Karlstad University. p257.

- 8- Breton, R. (1997). Social Participation and Social Capital. Introductory Lecture at the Second National Metropolis Conference, 23-25 November, Montreal, Quebec, Canada.
- 9- Buvinci, M. (1990) Women and Poverty in Latin America and the Carribean a Primer for Policy Makers. Washington, D.C: International center for research on women. Prepared for the Interamerican Development Bank. ICRW.
- 10- Croxton, S. (1999). User in Control: Farmer Participation in Technology Research and Development Africa, Intermediate technology publication, 14 (1), pp25-30.
- 11- Dahl, R (1915). Modern political analysis. (Translation by Mozafarian), marand publication. [Persian].
- 12- Danaei, M and Azimi, A (2005). New Approach to Community Participation Assesment. Review for participatory bottleneck in Iran cooperative rural women, Jahad. (269). Pp50-55. [Persian].
- 13- Ghavibazu, F. (2004). Gender in cooperatives, Views of the International Labour Organization, cooperative, (153), pp54-55. [Persian].
- 14- Guinnane, T. W., (2003). Regional Organizations in The German Cooperative Banking System in The late 19th Century, Research in Economic, 51 (3), pp251-274.
- 15- Hadadi, S. (2002). Cooperative strategy for empowerment of rural women, Cooperative, (138), pp52-61. [Persian].
- 16- Hamed moghadam, A, (1994). Participation and development of rural participatory, proceeding of the Collection of seminar papers presented at the Sociology and Development, the study and compiling university books publication. [Persian].
- 17- Huntington, S, (1996). Political order in changing societies, translated by Mohsen salasi, Science publishing publication. [Persian].
- 18- Helly, D, (1997). Voluntary and Social Participation by People of Immigrant. Paper presented at the Second National Metropolis Conference, 23-25 November, Montreal, Quebec, Canada.
- 19- Iravani, H, (1997). Women and Cooperatives, cooperative. (71), pp19-23. [Persian].
- 20- Jafarzadehpur, F, (1995) Benefits of wide participation of women in rural cooperatives, Jahad. (180). Pp18-21. [Persian].

- 21- Khani, F and Ahmadi, M, (2010). A study on the effects of womens participatin in the economic and social decision makings in rural areas. *Womens research*, 7 (4). pp 95-130. [Persian].
- 22- Lerner, D, (1958) *The Dassing of Traditional Society*, glence, free presses.
- 23- Levi.Y. (2000) the ambiguous position of cooperatives vis-à-vis the issue of diffrence. *J. Agric. Cooper.* 28 (2), pp 121-135.
- 24- Lipset, S.M, (1998). *Political Man*, New York, free press.
- 25- Liu, A, (2001). *Political Participation and Dissatisfaction with Democracy: A Comparative Study of Newand Stable Democracies*. RM Institute. www.Research Methods.org
- 26- Mc Clelland, D and winter, D.G, (1971). *Motivating Economic Achievment*, New York.
- 27- Nanbakhsh, H, (2003). Women's voluntary participation: health workers best practice, *womens research*, 1 (6), pp165-186. [Persian].
- 28- Oakley, P, (1991). *Project with People: The Practice of Participation in Rural Development*. Geneva.
- 29- Reddy, R. D, fredonia, S. and smith, D. H, (1973). Who Participates in Voluntary Action?, *Journal of extension*, 11 (1), pp17-23.
- 30- Reddy, R.and Smith, D.H, (1973). Why Do People Participate in Voluntary Action?, *extension* , 11 (2), pp 35-40.
- 31- Rifkin, S. B, (1991). A New Approach to Community Participation Assesment, *Health promotion international*, 6 (3), pp199-206.
- 32- Rocher, G, (1998). *Sociology of Talcott Parsons/ yranslated by nik gohar*, tiban publication. [Persian].
- 33- Rogers, E.M and Shoemaker, F.F, (2001). *Communication of Innovation*, translated by karami and fanaei, Shiraz university press. [Persian].
- 34- Zarafshani, K., Khaledi. KH and Ghanian, M, (2009). Explaning rural womens'participation in extension education program based on Arnstein's ladder of citizen participation model. *Womens research*, 7 (3). pp107-128. [Persian].
- 35- Sarikhani, N and Taha, M, (2003). Participation of women in the rural cooperative companies and factors affecting it, *Cooperative*, (145), pp78-82. [Persian].
- 36- Shabanalifami, H., Rahimzadeh, M., and Rostami, F, (2006). Analysis of attitudes towards participation of women in cooperatives

- from the viewpoints of women cooperatives expert and agents in Iran. Social sciences a semi- annual journal. 3 (2), pp25-56. [Persian].
- 37- Shaver, K.G., and Scott, L. R, (1991). Person, Process, Choice: The Psychology of New Venture Creation. Entrepreneurship theory and practice, 16 (2), pp23-45.
- 38- Swanson, B. (2001). Agricultural extension, translated by shahbazi and hejazan, exation and education organization publication. [Persian].
- 39- Taherkhani, M and Gharani Arani., B, (2005). The study of influential elements of the villagers propensity toward setting up rural cooperatives case study: the county of ghanavat in the city of ghum, geographical research, 20 (3), pp81-101. [Persian].
- 40- Weiner, M. (2000). Understanding political development, translated by The Institute for Strategic Studies, Research Publication. [Persian].
- 41- Yazdanpanah, L., Samadian, F, (1999) Individual and Social Characteristics and Women's Social Participation: A Case Study of Kerman, Women's Studies, 6 (2). pp127-149. [Persian].

Archive